

بازتاب اخبار مسیحیان ذمی در منابع اسلامی

(از آغاز اسلام تا پایان دوره اموی)

که مریم یدالله پور* / معصومه یدالله پور** / علی محمد ولوی***

چکیده

مسیحیان بعد از ظهور اسلام، طبق آیه ۲۹ سوره توبه می‌توانستند بر دین خود باقی مانده و با پرداخت جزیه به عنوان اهل ذمه در کنار مسلمانان به زندگی خود ادامه دهند. دستیابی به سیره نظری و عملی پیامبر ﷺ و خلفای بعد از ایشان بدون بررسی و نقد دیدگاه‌های مورخان که در ارتباط با اهل ذمه، بخصوص مسیحیان ذمی، مطلب نگاشته‌اند، خالی از آثار مطلوب خواهد بود. از سوی دیگر، به نظر می‌رسد بعد از گسترش فتوحات در مناطق مسیحی‌نشین و در پی آن افزایش تعداد ذمیان در جامعه اسلامی، مباحث حقوقی مربوط به ذمیان به شکل جدی‌تر مطرح شد.

در این مقاله، بازتاب حیات مسیحیان ذمی در منابع اسلامی، همچون تاریخ‌های عمومی، محلی، سیره و مغازی، منابع فقهی، کتاب‌های فتوح و خراج، ادبی و آداب‌الملوک‌ها و سرانجام منابع جغرافیایی به طور جداگانه بررسی و مطالعه می‌شود. بر اساس مطالعات انجام شده در این مقاله، گزارش‌های متفاوت و متناقضی از حیات دینی - اجتماعی و اقتصادی مسیحیان ذمی در منابع تاریخی و فقهی ثبت شده است. کلیدواژه‌ها: منابع اسلامی، مسیحیان، مسیحیان ذمی، پیامبر ﷺ، خلفای نخستین، خلفای اموی.

* کارشناس ارشد تاریخ اسلام، دانشگاه الزهراء.

masoom8227@yahoo.com

** کارشناس ارشد ایران‌شناسی گرایش تاریخ، دانشگاه شهید بهشتی

*** دانشیار دانشگاه الزهراء.

دریافت: ۱۳۹۰/۶/۱۴ - پذیرش: ۱۳۹۰/۱۰/۲۶

مقدمه

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آیه ۲۹ سوره توبه را الگوی سیره نظری و عملی خود با اهل کتاب قرار داد و مناسبات خود را با اهل کتاب بر اساس این آیه مشخص کرد. بنابراین، مسیحیان که بخشی از اهل کتاب بودند، می‌توانستند بر دین خود باقی مانده و با عقد پیمان با پیامبر و پرداخت مبلغی جزیه، از حمایت حکومت اسلامی بهره‌مند شوند. این گروه به سبب عقد پیمان با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در امان و حمایت (ذمه) ایشان بودند و از همین رو به «اهل ذمه» معروف شدند.^۱ عهدنامه‌های منعقد شده با مسیحیان نجران و ایله، بیانگر آزادی دینی مسیحیان و عدم محدودیت اجتماعی آنان است. در این پژوهش تلاش شده تا با نقادان روایت‌های منابع تاریخی، فقهی، ادبی و... در مورد مسیحیان ذمی، علت مطرح شدن دیدگاه‌های متفاوت در مورد حیات اجتماعی - سیاسی و اقتصادی مسیحیان^۲ در قلمرو اسلامی مطالعه شود. در این نوشتار، موضوع بحث برانگیز در ارتباط با حیات دینی - اجتماعی و اقتصادی مسیحیان ذمی مربوط به زمان خلافت عمر بن خطاب است. اغلب منابعی که سخت‌گیری اجتماعی و دینی بر مسیحیان ذمی را گزارش کرده‌اند، برای اثبات ادعای خود، به عملکرد عمر بن خطاب در برخورد با مسیحیان شام استفاده کرده‌اند. این دسته از منابع با مطرح کردن عهدنامه‌ای منسوب به عمر، به محدودیت‌های اجتماعی - دینی بر مسیحیان ذمی جنبه قانونی می‌دهند. همچنین مورخان مسلمان شامی و مصری نیز مطالب خود را درباره مسیحیان ذمی و حقوق آنان در جامعه اسلامی با غرض‌ورزی و تعصب همراه کرده‌اند.

تاریخ‌های عمومی

یکی از شیوه‌های تاریخ‌نگاری در اسلام، نگارش تاریخ عمومی است. تاریخ یعقوبی تألیف احمد بن ابی‌یعقوب (م ۲۸۴ق) از جمله تاریخ‌های عمومی مهم به شمار می‌آید. یعقوبی به‌رغم آنکه در تاریخ خود به خلاصه‌نویسی و مختصر‌گویی علاقه داشته، با نگاه همه‌جانبه و جامعی به حوادث تاریخی نگریسته است. وی در بخش شرح ادیان عرب عصر جاهلی، قبایل نصرانی عرب را معرفی می‌کند. همچنین او به سیره نظری و عملی خلفا در خصوص مسیحیان ذمی و نفوذ نصارا در نهادهای اداری مسلمانان اشاره دارد.

تاریخ الرسل والملوک مشهور به **تاریخ طبری** اثر محمد بن جریر طبری (م ۳۱۰ق) از دیگر تاریخ‌های عمومی مهم به شمار می‌آید. ذکر روایات مختلف در مورد یک حادثه تاریخی و

عدم قضاوت در مورد صحت و سقم آن از مهم‌ترین ویژگی‌های **تاریخ طبری** است. طبری در مورد چگونگی نفوذ مسیحیت در نجران، روایات مختلفی همراه با افسانه و قصص تاریخی بیان کرده و حتی در جایی مرتکب خطایی بزرگ می‌شود و قبر مبلّغ مسیحی در حجاز را با قبر حضرت عیسی اشتباه گرفته است.^۳ او در شرح فتوحات مسلمانان در مناطق مسیحی‌نشین، اطلاعات اجمالی از وضعیت مسیحیان و عهدنامه‌های منعقد شده با آنان ارائه داده و به حیات دینی مسیحیان اشاره‌های پراکنده‌ای می‌کند.^۴ طبری توجه اصلی خود را به حوادث سیاسی معطوف کرده و به مباحث اجتماعی مقاطع مختلف تاریخی توجه چندانی ندارد، از این‌رو، اطلاعات قابل توجهی درباره وضعیت اجتماعی ذمیان ارائه نکرده است.

مروج الذهب و معادن الجواهر اثر مسعودی (۳۴۶ق) از جمله تاریخ‌های عمومی مهم به شمار می‌آید. مسعودی با اینکه مورخ جامع‌نگری است و به شرح مباحث ادیان و مذاهب و سیره نظری و عملی خلفا علاقه خاصی در خلال حوادث تاریخی نشان داده، اشاره قابل توجهی به وضعیت مسیحیان ندارد. او در شرح حال خلفای اموی به سیره آنان نیز توجه داشته، ولی هیچ روایتی از چگونگی رفتار خلفا با ذمیان ارائه نکرده است. اشاره مسعودی به حیات دینی مسیحیان در زمان ولیدبن عبدالملک تنها گزارش او از وضعیت مسیحیان عصر اموی است.^۵

التنبیه و الاشراف اثر دیگر مسعودی است. اشاره مسعودی به نفوذ نصارا در نهادهای اداری اموی، علت اهمیت این کتاب درخصوص موضوع این نوشتار است.^۶

سنی الملوک الارض و الانبیاء اثر حمزة بن حسین اصفهانی (م ۳۶۰ق) از جمله تاریخ‌های عمومی است که به اختصار، حوادث تاریخی را شرح داده است. علت اهمیت این کتاب درخصوص موضوع، اشاره او به تاریخ ملوک غسان و اعراب لخمی (حیره) و گرایش دینی آنان است.^۷

تجارب الامم و تعاقب الهمم اثر ابن مسکویه (۴۲۱ق) از تاریخ‌های عمومی مهم به شمار می‌آید. ابن مسکویه مورخی تحلیل‌گر و جامع‌نگر است. او به نفوذ نصارا در نهاد اداری دوره اموی و مشورت خلیفه اموی^۸ با کاتب نصرانی در سیاست‌های داخلی اشاره دارد.^۹ از دیگر تاریخ‌های عمومی **الکامل فی التاریخ** اثر ابن‌اثیر (م ۶۳۰ق) است. وی نیز توجه اصلی‌اش را در تاریخ‌نگاری به شرح حوادث سیاسی معطوف کرده و به مباحث اجتماعی

توجه چندانی نداشته است. البته در شرحی که از جریان فتح مناطق مسیحی‌نشین ارائه داده، توجه دقیق و عمیق به وضعیت مسیحیان و چگونگی برخورد مسلمانان با آنان ندارد. مهم‌ترین اهمیت این کتاب درباره موضوع نوشتار، اشاره ابن‌اثیر به دستور عمر بن عبدالعزیز در مورد محدودیت استخدام ذمیان در امور اداری مسلمانان است.^{۱۰}

تاریخ‌های محلی

شیوه دیگر تاریخ‌نگاری در اسلام، نگارش تاریخ محلی یا منطقه خاص است. اخبار مکه^{۱۱} از جمله تاریخ‌های محلی است. ابولید محمد بن عبدالله ازرقی (م ۲۵۰ق) این کتاب را در مورد تاریخ مکه به نگارش درآورده است. توجه اصلی ابولید در تاریخ مکه به جغرافیا و تاریخ سیاسی مکه است. او اطلاعات قابل‌توجهی از پراکندگی ادیان در مکه عصر جاهلی ارائه نداده است. اشاره ابولید به تمثال مریم و حضرت عیسی در خانه کعبه تنها روایت ابولید از مسیحیت در مکه است. این روایت، بیانگر حضور مسیحیان در مکه است^{۱۲} و کمک قابل ملاحظه‌ای به تبیین پراکندگی جغرافیایی مسیحیت در جزیره‌العرب عصر جاهلی می‌کند.

کتاب الولاية و کتاب القضاة اثر کنندی (م ۳۶۲ق) مورخ مصری است. کنندی با دقت، والیان، صاحبان شرطه و عاملان خراج مصر را بعد از فتح شرح می‌دهد، ولی به چگونگی رفتار والیان با مسیحیان ذمی مصر توجهی ندارد. او به رغم اینکه در شرح وضعیت مصر در زمان هر والی به بحث خراج توجه کرده، اما از بحث جزیه و روند اخذ آن در مصر، روایت قابل توجهی ذکر نکرده است. اشاره وی به محدودیت اجتماعی مسیحیان ذمی در زمان عمر بن عبدالعزیز تنها گزارش او از حیات اجتماعی مسیحیان مصر در عصر اموی است.^{۱۳}

تاریخ دمشق الکبیر تألیف ابن‌عساکر (م ۵۷۱ق) از تاریخ‌های مهمی به شمار می‌آید که در زمینه شام نگاشته شده است. توجه ابن‌عساکر به جریان فتوحات در شام، موضع‌گیری قبایل عرب مسیحی در برابر مسلمانان و ذکر عهدنامه‌های منعقد شده با آنان، اطلاعات با ارزشی است که در تبیین وضعیت مسیحیان در عصر خلفای نخستین کمک شایانی می‌کند. ذکر روایت‌های مختلف در مورد یک حادثه تاریخی و عدم قضاوت درباره آن از مهم‌ترین

ویژگی‌های تاریخ ابن‌عساکر است. با توجه به همین ویژگی است که عهدنامه‌های مختلفی در مورد شام در آن آمده است. ابن‌عساکر بعد از طرطوشی، دومین مورخی است که به عهدنامه بحث‌برانگیز عمر با مسیحیان شام اشاره دارد. وی با تکیه بر همین عهدنامه بی‌اعتبار، به شروط صلح با ذمیان در صدر اسلام اشاره کرده و به محدودیت‌های اجتماعی - دینی مسیحیان در زمان عمر بن خطاب اشاره می‌کند. روایت ابن‌عساکر در مورد وضعیت مسیحیان در عصر خلفای نخستین تا جایی که متکی بر عهدنامه یادشده است، قابل اعتماد نیست. نگرش ابن‌عساکر به تاریخ شام صرفاً نگرارش تاریخ سیاسی محض نیست، گزارش‌های او دربارهٔ حیات اجتماعی و دینی مسیحیان در عصر خلفای نخستین و اموی - به استثناء عهدنامه مذکور - در خور تأمل است.^{۱۴}

زبدۃ الحلب من تاریخ حلب، اثر ابن‌عدیم مورخ شامی (م ۵۸۸ق) است. محور اصلی کتاب ابن‌عدیم، شرح موقعیت جغرافیایی و تاریخی حلب است. البته او به وضعیت اجتماعی حلب توجهی نداشته، از این رو، نمی‌توان از اثر ابن‌عدیم در مورد حیات اجتماعی مسیحیان که قشری از اجتماع حلب را تشکیل می‌دادند، آگاهی و اطلاعاتی به دست آورد. مهم‌ترین ویژگی این اثر در خصوص موضوع نوشتار، اشاره مختصر نویسنده به نفوذ مسیحیان در دیوان‌سالاری عصر اموی است.^{۱۵}

اعلاق الخطیره فی ذکر امراء الشام و الجزیره اثر عزیزالدین ابوعبدالله بن شداد (م ۶۸۴ق) مورخ شامی است. ابن‌شداد مانند ابن‌عدیم، موقعیت جغرافیایی - تاریخی و تحولات سیاسی شهرهای شام را محور اصلی کتاب خود قرار داده است. عدم توجه به وضعیت اجتماعی شهرهای شام در اثر ابن‌شداد نیز آشکار است. اشاره پراکنده او به حیات دینی مسیحیان، دیرها، کلیساها و خوش‌گذرانی خلیفه اموی همراه ندیمان مسیحی در دیرها، مهم‌ترین ویژگی‌های اثر ابن‌شداد دربارهٔ موضوع مقاله است.^{۱۶}

المختصر فی اخبار البشر معروف به *تاریخ ابوالفداء*، اثر ابوالفداء (م ۷۳۲)، به علت توجه به تاریخ قبایل عرب عصر جاهلی و گرایش دینی آنان اهمیت دارد.^{۱۷} ابوالفداء در مقایسه با تاریخ‌های عمومی متقدم‌تر، اطلاعات بیشتری درباره تاریخ اعراب عصر جاهلی ارائه می‌دهد.

مهم‌ترین تاریخ محلی دربارهٔ موضوع نوشتار، *المواعظ والاعتبار بذكر الخطط والآثار*، اثر مقریزی (م ۸۴۴ق) است. این مورخ مصری به‌رغم آنکه جنگ‌های صلیبی را درک کرده است، نگرش متعصبانه‌ای به مسیحیان ندارد. او در فصلی که به مسیحیان قبطی اختصاص داده، با دقت و آگاهی، حیات دینی مسیحیان را شرح داده است. وی اختلافات مذهبی یعقوبیان و ملکانیان در مصر و چگونگی تسلط یعقوبیان را بر کلیساهای مصر از زمان فتح تا حیات خویش به خوبی شرح می‌دهد.^{۱۸} روایاتی که مقریزی درباره حیات دینی مسیحیان نقل کرده، بسیار ارزشمند است و به تبیین حیات دینی مسیحیان کمک ارزنده‌ای می‌کند. همچنین او اطلاعات منسجمی از روند اخذ جزیه در مصر ارائه می‌دهد و چگونگی وصول جزیه توسط عاملان خلفای اموی را در مصر به تفصیل شرح می‌دهد. این اطلاعات به بررسی نوع برخورد والیان اموی با مسیحیان مصر هنگام اخذ جزیه کمک می‌کند. مقریزی نخستین مورخی است که گزارش‌های منسجمی از حیات دینی - اقتصادی مسیحیان ارائه داده و همین امر، بیانگر اهمیت کتاب برای موضوع این پژوهش است.

ابن تغری بردی (م ۸۷۴ق) کتابی در تاریخ مصر به نام *النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و القاهرة* نگاشته است. وی تاریخ مصر را بعد از فتح با رعایت ترتیب زمانی سال به سال ذکر می‌کند. توجه بیش از حد به حوادث سیاسی، نویسنده را از شرح وضعیت اجتماعی مصر بازداشته است. *ابن تغری بردی* درباره چگونگی رفتار والیان مصر با مسیحیان، اطلاعات مختصری ارائه می‌دهد. اشاره او به محدودیت اجتماعی - سیاسی مسیحیان مصر در زمان *عمر بن عبدالعزیز* و حیات دینی مسیحیان^{۱۹} علت اهمیت این کتاب برای موضوع این نوشتار است.

وزارت و دیوان سالاری و آداب الملوک‌ها

کتاب‌هایی که در زمینه *دیوان سالاری و آداب الملوک* نوشته شده، اطلاعات ارزشمندی در مورد سیره نظری و عملی خلفا، فرهنگ و اخلاق آنان، وضعیت اجتماعی - اقتصادی و سیاسی جامعه اسلامی در مقاطع مختلف تاریخی دارد. به همین علت مراجعه به این دسته از کتاب‌ها می‌تواند نگرش وسیع‌تری به محقق تاریخ در امر پژوهش ببخشد.

الوزراء و الکتاب اثر *ابو عبدالله محمد بن عبدوس جهشیاری* (م ۳۳۰ق) است. جهشیاری روند تحولات نهاد دیوان سالاری مسلمانان را از آغاز تا زمان حیات خویش نگاشته است.

مهم‌ترین ویژگی کتاب جهشیاری درخصوص موضوع موردنظر، شرح کاتبان نصرانی در دیوان‌سالاری دوره اموی^{۲۰} و عباسی است. او مهم‌ترین و منسجم‌ترین گزارش را در مورد نقش مسیحیان در دستگاه اداری مسلمانان نقل کرده است.

ادب الکتاب، اثر ابوبکر محمدبن یحیی صولی (م ۳۳۵ق) از علما و ادبای عصر عباسی است. صولی در این اثر به مسائل اجتماعی و حوادث تاریخی نیز توجه کرده است. علت اهمیت این کتاب درخصوص این موضوع، گزارش‌های صولی از جزیه و فرعیات مربوط به آن در زمان پیامبر ﷺ، خلفای نخستین و اشاره به محدودیت‌های اجتماعی مسیحیان ذمی در زمان خلافت عمر بن خطاب است.^{۲۱}

ابوبکر محمد طرطوشی از علمای بزرگ اندلس (م ۵۲۰ق) نویسنده کتاب *سراج الملوك* است. او در بخشی از کتاب خود، احکام مربوط به ذمیان را شرح داده است. طرطوشی نگرش متعصبانه‌ای به مسیحیان دارد. او محدودیت‌های اجتماعی - دینی شدیدی برای ذمیان در کتاب خود با تکیه بر عهدنامه منسوب به عمر با مسیحیان شام ذکر می‌کند.^{۲۲} طرطوشی در زمان حیات خود، شاهد شروع جنگ‌های صلیبی بود. این احتمال که جنگ‌های صلیبی بر بینش طرطوشی درخصوص مسیحیان تأثیر گذاشته باشد، دور از ذهن به نظر نمی‌رسد. او نخستین مورخی است که عهدنامه بحث‌برانگیزی درباره مسیحیان شام ذکر می‌کند. راوی این عهدنامه، عبدالرحمن بن غنم می‌باشد و مدعی است که عهدنامه مذکور بین عمر بن خطاب و مسیحیان شام منعقد شد. محتوای عهدنامه دربردارنده محدودیت اجتماعی - دینی شدیدی برای مسیحیان ذمی است. در هیچ یک از کتاب‌های فتوح و تاریخ‌هایی که قبل از زمان طرطوشی نگاشته شده، به این عهدنامه اشاره نشده است. این عهدنامه به شکل نامه‌ای است که مسیحیان شام برای عمر بن خطاب نوشته و در آن نامه، شرایط صلح را تعیین کرده‌اند.

عدم یادکرد این عهدنامه در منابع متقدم‌تر از طرطوشی، مغایرت محتوای آن با سایر عهدنامه‌های منعقد شده با مسیحیان شام، غیرمنطقی بودن تعیین شرایط صلح از سوی ملل مغلوب بعد از جریان فتح و قراردادن محدودیت شدید توسط قوم مغلوب (نصارا) بر خود در شرایط صلح‌نامه، مجموعه عواملی است که اعتبار عهدنامه را خدشه‌دار می‌سازد.

با توجه به بی‌اعتبار بودن این عهدنامه، لازم است درخصوص نقل روایت‌های طرطوشی در مورد حیات مسیحیان ذمی در زمان عمر بن خطاب و پذیرش این روایت‌ها احتیاط کرد. بعد از طرطوشی مورخانی، چون ابن عساکر، ابشیهی، ابن‌اخوه و قلعشندی این

عهدنامه را در کتاب‌هایشان ذکر کرده و آن را سند اصلی در مورد محدودیت اجتماعی - دینی مسیحیان ذمی در زمان عمر بن خطاب می‌دانند.

محمد بن محمد بن احمد بن زید، ملقب به ابن‌اخوه (۶۴۸-۷۳۹ق) نویسنده کتاب *معالم القرية فی احکام الحسبه* است. ابن‌اخوه خود محتسب شهر بود، از این‌رو کتاب یادشده را در مورد آیین شهرداری و وظایف محتسب تألیف کرد. او در بخشی از کتاب خود، از احکام مربوط به ذمیان سخن گفته است.^{۲۳} به نظر می‌رسد که ابن‌اخوه نیز از جنگ‌های صلیبی متأثر شده و دیدگاه متعصبانه‌ای به مسیحیان داشته است. نگرش متعصبانه او درباره مسیحیان، در کتابش آشکار است. او از قدرت‌گیری مسیحیان ذمی در زمان خود حسرت می‌خورد و می‌گوید: ای کاش عمر زنده بود و اکنون می‌دید که نصارا چگونه بر مسلمانان مسلط شده، خانه‌های خود را بلندتر از خانه‌های مسلمانان ساخته، سوار بر چارپایان شده و مسلمانان پیاده به دنبال آنان حرکت می‌کنند. همچنین او سخت‌گیری بر ذمیان را از وظایف محتسب می‌داند. ابن‌اخوه در شرح احکام اهل ذمه به محدودیت سیاسی - اجتماعی و دینی ذمیان در زمان عمر بن خطاب اشاره دارد. سند اصلی او در این زمینه، عهدنامه منسوب به عمر با مسیحیان شام است که نخستین بار طرطوشی آن را نقل کرده است. این عهدنامه - همچنان‌که ذکر شد - از نظر اعتبار و صحت، بسیار مشکوک و مبالغه‌های زیادی در آن صورت گرفته است. به همین علت، لازم است در استناد به گزارش‌های ابن‌اخوه در مورد وضعیت مسیحیان در صدر اسلام، احتیاط کرد.

صبح الاعشی فی صناعة الانشاء^{۲۴} اثر قلقشنندی (م ۸۲۱ق) مورخ مصری است. قلقشنندی در شرح دین مسیح و انشعاب‌های مسیحیت، به دقت بحث کرده، حوزه فعالیت فرقه‌های مسیحی، چون یعقوبیان و نستوریان را مشخص می‌کند. همچنین او به تسلط یعقوبیان بر کلیساهای مصر بعد از فتح تا زمان حیات خویش اشاره کرده، اسامی بطارقه یعقوبیان را هم‌زمان با حکومت‌های اسلامی یادآور می‌شود. روایت‌های قلقشنندی در مورد حیات دینی مسیحیان مانند روایات مقریزی، منسجم و ارزشمند است و به تبیین وضعیت دینی مسیحیان در قلمرو اسلام کمک قابل توجهی می‌کند. همچنین او به نفوذ مسیحیان در دیوان‌سالاری دوره اموی اشاره‌های قابل توجهی دارد.^{۲۵} قلقشنندی نیز نگرش متعصبانه‌ای به مسیحیان دارد. او از محدودیت اجتماعی - دینی ذمیان در زمان عمر بن خطاب با تکیه بر عهدنامه مشکوکی که طرطوشی آن را آورده و منسوب به عمر کرده، سخن می‌گوید و در بیان احکام ذمیان تحت عنوان «شروط عُمریه»

محدودیت اجتماعی شدیدی بر ذمیان زمان خود قائل می‌شود. همچنین وی در فصلی که به والیان مصر اختصاص داده، به رفتار والیان با مسیحیان مصر اشاره‌های پراکنده‌ای دارد. در مقدمه ابن‌خلدون، تألیف ابن‌خلدون (م ۸۰۸ق) نیز به نقش نصارا و یهود در امور دیوان‌سالاری مسلمانان به علت عدم علاقه اعراب به هنر خواندن و نوشتن اشاره شده است و همین روایت به تبیین نقش نصارا در دیوان‌سالاری مسلمانان کمک شایانی می‌کند.^{۳۶}

منابع ادبی و اجتماعی

کتاب‌هایی که درباره موضوعات ادبی و اجتماعی نگاشته شده است، جنبه دائرةالمعارفی دارند و اطلاعات تاریخی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بسیاری را می‌توان با تکیه بر این دسته از منابع به دست آورد. در واقع، منابع ادبی و اجتماعی هر دوره می‌تواند بازتاب حیات تاریخی - فرهنگی آن عصر باشد.

الاعانی، معروف‌ترین کتاب ادبی است که *ابوالفرج اصفهانی* (م ۳۶۲ق) آن را نگاشته است. مهم‌ترین حسن این اثر، توجه نویسنده به اوضاع اجتماعی زمان حیات شاعران، هنگام شرح احوال آنان است. *ابوالفرج* در شرح حال شاعران به دین آنان نیز توجه دارد، از این رو گزارش‌های بسیاری درباره شاعران نصرانی در دوره اسلامی در *الاعانی* ثبت شده است.^{۳۷} از روایت‌های *ابوالفرج* در مورد شاعران نصرانی بعد از اسلام می‌توان آگاهی‌هایی در مورد حیات اجتماعی - دینی مسیحیان در دوره اموی و عباسی کسب کرد.

المستطرف من کل فن مستطرف اثر *شهاب‌الدین محمد بن احمد ابشیهی* (م ۸۵۰ق) است. *ابشیهی* از علمای بزرگ مصر است که همین کتاب موجب شهرت او شده است. او *المستطرف* را در مورد مسائل اجتماعی، سیاسی، ادبی، اخلاقی و دینی تدوین کرده و در بخشی از آن به احکام مربوط به ذمیان توجه دارد.^{۳۸} *ابشیهی* نگرش بدبینانه‌ای به نصارا دارد و این نگرش در آثار اغلب مورخان که در خلال جنگ‌های صلیبی و بعد از آن، از وضعیت مسیحیان در قلمرو اسلام سخن گفته‌اند، آشکار است. او محدودیت شدیدی برای ذمیان قائل می‌شود و مشروعیت این محدودیت‌ها را به دوره عمر بن خطاب نسبت می‌دهد. سند اصلی *ابشیهی* در ذکر محدودیت‌های ذمیان در زمان عمر بن خطاب، عهدنامه‌ای منسوب به عمر با مسیحیان شام است که طرطوشی نخستین بار آن را روایت کرده است. همان‌گونه

که اشاره شد، تردیدهای فراوانی در محتوای این عهدنامه وجود دارد، از این رو نمی‌توان روایت ابشیهی را در مورد وضعیت مسیحیان در صدر اسلام با توجه به عهدنامه مذکور پذیرفت.

عیون الاخبار، اثر ابو محمد عبدالله مسلم دینوری، معروف به ابن قتیبه (م ۲۷۶ق) از نویسندگان عصر عباسی است. این کتاب جنبه دایرةالمعارفی دارد و به موضوعات مختلف پرداخته است. علت اهمیت این کتاب اشاره به محدودیت سیاسی نصارا در تسلط بر امور اداری مسلمانان در زمان خلافت عمر بن خطاب است.^{۲۹}

المعارف اثر دیگر ابن قتیبه است که مانند **عیون الاخبار** جنبه دایرةالمعارفی دارد. ابن قتیبه در این کتاب، قبایل عرب نصرانی را معرفی می‌کند.^{۳۰} همین روایت، اهمیت این کتاب را در خصوص موضوع حاضر بیان می‌کند.

الکامل فی اللغة و الادب، اثر ابن عباس محمد بن یزید، مشهور به مبرد (م ۲۸۵ق) نیز دایرةالمعارف گونه است. علت اهمیت این کتاب، اشاره مبرد به قدرت گیری و تسلط مجوس و نصارا در عراق بر مسلمانان در زمان امارت خالد بن عبدالله قسری است.^{۳۱}

شرح نهج البلاغه، اثر ابن ابی الحدید (م ۵۹۸ق) یکی دیگر از این منابع است که در خلال شرح خطبه‌های **نهج البلاغه**، به حوادث تاریخی و مباحث اجتماعی اشاره‌های فراوانی دارد. ابن ابی الحدید به سیره نظری و عملی خلفا توجه داشته و توصیه‌های فراوانی از عمر بن خطاب^{۳۲} و امام علی^{۳۳} به عاملان ولایات در مورد چگونگی رفتار با ذمیان ذکر کرده است. این توصیه‌ها کمک قابل توجهی به بررسی سیره خلفا در ارتباط با مسیحیان ذمی می‌کند. اشاره ابن ابی الحدید به تقرب شاعر نصرانی نزد عثمان و تسلط فردی نصرانی بر امور اداری مسلمانان در زمان خلافت وی، اطلاعات با ارزشی در خصوص سیره عثمان با مسیحیان ذمی به شمار می‌آید.

منابع جغرافیایی

گزارش جغرافیانویسان از اوضاع و احوال شهرها، ارتباطات، زندگی اقتصادی، اعتقادات، مذاهب و... مناطق مختلف قلمرو اسلام، بیانگر علل اهمیت این دسته از منابع تحقیقات تاریخی است.

احسن التقاسیم فی المعرفة الاقالیم اثر مقدسی (م ۳۹۰ق) است. او با اطلاع از کتاب‌های گذشتگان و مشاهده‌های شخصی خود، اثر جامعی در مورد سرزمین‌های اسلامی نوشته است. مقدسی در کتاب خویش، نگاه دقیقی به وضعیت اجتماعی - دینی و اقتصادی مناطق مختلف قلمرو اسلامی دارد. اشاره او به مسیحیان در شهرهای شام، بیانگر حضور گسترده آنان در شام در قرن‌های اولیه اسلام است. مقدسی در شرح ولایات شام به حیات اجتماعی مسیحیان شام توجه کرده، مشاغل ذمیان شام را شرح داده است.^{۳۴} تقسیم‌بندی مقدسی از مشاغل ذمیان در شام کمک قابل توجهی به تبیین حیات اجتماعی مسیحیان در شام می‌کند. یاقوت حموی (م ۶۲۶ق) نویسنده اثر جغرافیایی با ارزش *معجم البلدان* است. او در این کتاب فصلی به دیرها اختصاص داده و به تفصیل، پراکندگی دیرها، پیشینه تاریخی و بنیان دیرها را شرح می‌دهد.^{۳۵} اشاره یاقوت به پراکندگی دیرها در منطقه بلاد جزیره، حیره، شام و ذکر بنای دیرها در این مناطق توسط تعدادی از قبایل عرب، چون غسانیان، به شناسایی قبایل مسیحی عرب کمک می‌کند.

مسالك الابصار فی ممالک الامصار نوشته احمد بن یحیی بن محمد کرمانی غمیری، معروف به ابن فضل الله کاتب دمشقی (م ۷۴۹ق) است. روایت‌های ابن فضل الله در مورد دیرهای نواحی شام، عراق، یمن، بنیان دیرها^{۳۶} و شرح خوش‌گذرانی خلفای اموی در دیرها^{۳۷} علت اهمیت این اثر جغرافیایی است.

طبقات و تراجم و انساب

طبقات و تراجم از جمله منابعی هستند که حیات فرهنگی - اجتماعی مقاطع مختلف تاریخی را شرح داده‌اند، از این‌رو محقق تاریخ، بی‌نیاز از این دسته از منابع نخواهد بود. ابن سعد (م ۲۳۰ق) در *الطبقات الکبری*، روابط پیامبر با مسیحیان ذمی را شرح داده، عهدنامه‌های منعقد شده با آنان را بیان می‌کند. این عهدنامه‌ها به تبیین حیات مسیحیان در زمان پیامبر ﷺ کمک قابل توجهی می‌کند. همچنین او به اسلام آوردن بعضی از قبایل نصرانی، چون طیّ و شیبان اشاره دارد. ابن سعد در گزارشی که از مسیحیان ذمی در زمان پیامبر اکرم ﷺ ارائه می‌دهد، دچار خطا می‌شود، چراکه او به پذیرش نظام ذمه از سوی قبیله تغلب در زمان پیامبر اشاره دارد،^{۳۸} حال آنکه این قبیله در دوره عمر با مسلمانان گفت‌وگو کرده و حاضر نشدند که با آنان مانند اهل ذمه رفتار شود، از این‌رو عمر به جای جزیه بر آنان زکات مضاعف مقرر کرد.

انساب الاشراف، اثر احمد بن یحیی بلاذری (م ۲۷۹ق) مورخ و نسب‌شناس بزرگ قرن سوم است. وی تاریخ خود را بر اساس انساب اشخاص تدوین کرده است. بلاذری از حیات اجتماعی - دینی مسیحیان عراق در زمان امارت خالد بن عبدالله قسری در عراق،^{۳۹} اطلاعات باارزشی ارائه می‌دهد. همچنین او به نفوذ نصارا در دستگاه اداری دوره اموی و مشورت خلیفه اموی در امور داخلی خلافت با کاتب نصرانی خود اشاره دارد.

طبقات الامم، نگاشته قاضی صاعد اندلسی از علمای بزرگ اندلس (م ۴۶۳ق) است. او در این اثر، وضعیت علمی مسلمانان و ملت‌های دیگر را شرح می‌دهد.^{۴۰} معرفی قبایل نصرانی عرب، تنها اهمیت این کتاب برای موضوع مقاله است.

ابن ابی‌اصیبه (م ۳۶۸ق) از پزشکان معروف شام، نویسنده **عیون الانباء فی طبقات الاطباء** است. او با تقسیم جغرافیایی شهرهای اسلامی، به شرح حال پزشکان هر منطقه می‌پردازد. در گزارشی که **ابن ابی‌اصیبه** از پزشکان شام ارائه می‌دهد به حضور پزشکان نصرانی نزد خلفای اموی و به محبوبیت آنان نزد خلفا اشاره دارد. همچنین **ابن ابی‌اصیبه** به همکاری سیاسی پزشکان نصرانی با خلفای اموی در اجرای اهداف سیاسی آنان اشاره می‌کند.^{۴۱}

مناقب عمر بن خطاب، اثر **ابن جوزی** (م ۵۹۸ق) است. **ابن جوزی** در این کتاب به محدودیت سیاسی نصارا در تسلط بر امور اداری مسلمانان در زمان **عمر بن خطاب** اشاره دارد.^{۴۲} اشاره **ابن قتیبه** در **عیون الاخبار و ابوعبیده در الاموال** درباره محدودیت سیاسی نصارا در زمان **عمر بن خطاب** قبل از **ابن جوزی**، به روایت او قوت بیشتری می‌بخشد.

وفیات الاعیان و آباء ابناء الزمان اثر **ابن خلکان** (م ۳۸۱ق) است. علت اهمیت این کتاب در خصوص موضوع، اشاره **ابن خلکان** به تسلط مجوس و نصارا بر امور مسلمانان در عراق در زمان ولایت **خالد بن عبدالله قسری** است.^{۴۳}

فتوح و خراج

گسترش فتوحات مسلمانان و مطرح شدن بحث جزیه و خراج، مورخان را بر آن داشته تا کتاب‌های مستقلی در زمینه فتوح و نظام مالی مسلمانان بنگارند. **محمد بن عمر واقدی** (م ۲۰۷ق) قدیم‌ترین مورخی است که به بحث فتوحات، علاقه نشان داده است. او در کتاب **فتوح الشام** چگونگی فتح شام را شرح داده است.^{۴۴}

واقعی به‌رغم دقت و جزئی‌نگری که در نگارش *مغازی* - کتاب دیگرش - از خود نشان داده است، در نگارش فتوح شام دقت لازم را ندارد. او از وضعیت نصارا و عهدنامه‌های منعقد شده با آنان بعد از فتح شام اطلاعی در اختیار قرار نمی‌دهد.

ازدی (م ۲۳۱ق) از دیگر مورخان است که تاریخ فتح شهرهای شام را به تفصیل در کتابی به نام *فتوح الشام* نگاشته است. مهم‌ترین ویژگی کتاب *ازدی* و امتیاز آن در مقایسه با اثر *واقعی*، گزارش او در مورد نامه‌های مکاتبه‌شده بین فرماندهان سپاه و خلفای نخستین در جریان فتح شام است.^{۴۵} *ازدی* در خلال این نامه‌ها به وضعیت اجتماعی - دینی آنان اشاره‌های مختصری دارد. او نیز مانند *واقعی* به عهدنامه‌های منعقدشده با مسیحیان و موضع‌گیری قبایل عرب مسیحی نواحی شام در برابر مسلمانان توجه چندانی نکرده است. *فتوح مصر و اخبارها*، اثر *ابن عبدالحکم* (م ۲۵۷ق) مورخ مصری است. او گزارش کاملی از چگونگی فتح مصر و موضع‌گیری مسیحیان در برابر مسلمانان ارائه داده است.^{۴۶} *ابن عبدالحکم* به محدودیت‌های اجتماعی ذمیان نصارا در زمان عمر بن خطاب اشاره دارد که در بخش‌هایی با روایت *ابویوسف* مطابقت دارد. همچنین او به محدودیت‌های اجتماعی مسیحیان ذمی در زمان عمر اشاره کرده و^{۴۷} روایت‌هایی در خصوص اخذ جزیه از آنها آورده است.

احمد بن یحیی بلاذری (م ۲۷۹ق) کتاب *فتوح البلدان* را در مورد روند فتوحات مسلمانان در سرزمین‌های مختلف به نگارش درآورده است. او فتوح نویس دقیق، همه‌جانبه‌نگر و تحلیل‌گر است. بلاذری در شرح فتح یک منطقه، در صورت لزوم، به حوادث سیاسی - اجتماعی و فرهنگی آن نیز توجه داشته است. جامع‌نگری بلاذری او را بر آن داشته تا اطلاعات باارزشی از حیات اجتماعی، دینی، سیاسی و اقتصادی مسیحیان ذمی مناطق مفتوحه ارائه دهد. او با دقت، عهدنامه‌های منعقدشده با مسیحیان مناطق مفتوحه را ذکر می‌کند.^{۴۸} مفاد این عهدنامه به تبیین حیات مسیحیان در عصر خلفای نخستین کمک می‌کند. همچنین بلاذری گزارش‌های باارزشی از روند اخذ جزیه از ذمیان نواحی مختلف ثبت کرده است. این گزارش‌ها برای بررسی چگونگی اخذ جزیه و میزان آن در مقاطع مختلف تاریخی، کمک شایانی می‌کند. همچنین او به نقش نصارا در دیوان‌سالاری دوره اموی اشاره دارد.

کتاب **الخراج** اثر قاضی ابویوسف یعقوب بن ابراهیم (م ۱۸۲ق) قدیم‌ترین کتاب موجود در زمینه خراج است. گزارش‌های فقهی و تاریخی ابویوسف از جزیه و امور فرعی مربوط به آن،^{۴۹} مهم‌ترین علت اهمیت این کتاب در خصوص با موضوع است. همچنین ابویوسف اولین مورخی است که به محدودیت‌های اجتماعی و دینی ذمیان در زمان عمر بن خطاب اشاره کرده است.^{۵۰}

الاموال، اثر ابو عبیده (م ۲۲۴ق) است. ابو عبیده روند اخذ جزیه را از زمان پیامبر ﷺ تا زمان حیاتش شرح می‌دهد. گزارش‌های ابو عبیده در مورد جزیه و فرعیات مربوط به آن، دقیق و همه‌جانبه است. همچنین او به محدودیت‌های اجتماعی ذمیان در زمان خلافت عمر بن خطاب اشاره دارد.^{۵۱} ابو عبیده محور کار خود را بر اساس احادیث قرار داده و گاهی بعد از نقل احادیث، به نقد و رد آن پرداخته و اجتهاد شخصی خود را در مورد آن حادثه بیان می‌دارد.

منابع فقهی

الموطأ، اثر مالک بن انس (م ۱۹۳ق) است. مالک در این کتاب، بخشی را به بحث جزیه اختصاص داده و اطلاعاتی از روند اخذ جزیه و میزان آن در زمان پیامبر ﷺ و خلفای نخستین ارائه کرده است. مالک نگرش متعصبانه و خشن شافعی را در بیان احکام مربوط به ذمیان ندارد. او برخلاف شافعی محدودیت‌های اجتماعی - دینی را برای ذمیان ذکر نمی‌کند. تعیین عشر برای ذمیانی که به منظور تجارت به شهرهایی چون مدینه می‌آمدند،^{۵۲} بیانگر عدم محدودیت آنان در ورود به حجاز است.

آلأم نگاشته شافعی (م ۲۴۰ق) است. شافعی در بخش جزیه به بحث اهل ذمه اشاره دارد. او شرح مفصلی از جزیه و فرعیات مربوط به آن ارائه می‌دهد. شافعی نگرش متعصبانه‌ای به ذمیان داشته و محدودیت شدیدی در زمینه اجتماعی برای ذمیان ذکر می‌کند. گزارش‌های او در مورد روند اخذ جزیه در زمان پیامبر ﷺ، خلفای نخستین و اخراج اهل کتاب از جزیره العرب در زمان عمر قابل توجه است.^{۵۳}

ماوردی فقیه شافعی مذهب (م ۴۵۰ق) نویسنده کتاب **الاحکام السلطانیة** است. او در این کتاب، گزارش‌هایی از جزیه و فرعیات مربوط به آن ارائه می‌دهد. ماوردی به حیات اجتماعی ذمیان نیز توجه دارد و برخلاف شافعی، نوعی تسامح در بیان احکام مربوط به

محدودیت اجتماعی ذمیان در پیش می‌گیرد. او اولین مورخی است که احکام مستحب و مستحق را برای ذمیان در کتاب خود مدون می‌کند.^{۴۹} *ماوردی* احکام مربوط به محدودیت اجتماعی ذمیان را از وظایف مستحب ذمیان می‌داند و عدم تقید به این وظایف را موجب فسخ عقد ذمه نمی‌داند. *ماوردی* در حقیقت با نوعی سازش، محدودیت‌هایی برای ذمیان قائل می‌شود و شدت و خشونت *شافعی* را در بیان محدودیت‌های اجتماعی ذمیان ندارد. همچنین او اولین کسی است که در نقل احکام ذمیان حق دستیابی به وزارت تنفیذی را برای آنان در نظر می‌گیرد.

احکام اهل الذمه نوشته *ابن‌قیم جوزیه* (م ۷۵۱ق) است. *ابن‌قیم* در این اثر فقهی، آرای پیشوایان مذاهب چهارگانه اهل سنت را در خصوص حیات اجتماعی - سیاسی و دینی ذمیان شرح داده است.^{۵۰}

سیره و مغازی

یکی دیگر از شیوه‌های تاریخ‌نگاری در اسلام کتاب‌های سیره و مغازی است. *السیره النبویه*، اثر *ابن‌هشام* (م ۲۱۸ق) از جمله قدیم‌ترین کتاب‌هایی است که زندگانی پیامبر گرامی اسلام را شرح می‌دهد. *ابن‌هشام* به چگونگی نفوذ مسیحیت در نجران اشاره دارد و این روایات را همراه با قصص و افسانه بیان کرده است.^{۵۱} همچنین او به روابط پیامبر ﷺ با مسیحیان نجران بعد از بعثت، ماجرای مباحله و صلح با مسیحیان نجران اشاره دارد.^{۵۲} گزارش‌های *ابن‌هشام* در مورد تشکیلات اداری مسیحیان نجران، برای آگاهی از وضعیت مسیحیت در نجران کمک قابل ملاحظه‌ای می‌کند.

المغازی اثر *محمد بن عمر واقدی* (م ۲۰۷ق) است. دقت و جزئی‌نگری از مهم‌ترین ویژگی *واقدی* در *المغازی* به شمار می‌آید. او در شرح غزوه‌های پیامبر گرامی اکرم ﷺ به موضع‌گیری قبایل نصرانی عرب در برابر مسلمانان اشاره دارد. همچنین *واقدی* عهدنامه‌های منعقدشده با مسیحیان نجران و ایله را ذکر می‌کند. این عهدنامه‌ها اطلاعات ارزنده‌ای در خصوص حیات دینی - اقتصادی مسیحیان زمان پیامبر ﷺ در اختیار ما می‌نهد.^{۵۳}

تحقیقات و مطالعات جدید

تریتون اولین مستشرقی است که به طور مستقل درباره موضوع اهل ذمه تحقیق کرده و کتابی تحت عنوان *خلفا و رعایای غیرمسلمانان* تألیف کرده است. این کتاب را حسن

حبشی از انگلیسی به عربی برگردانده و نام *اهل الذمه* بر آن نهاده است. تریتون در این کتاب، حیات اجتماعی، سیاسی، دینی و اقتصادی ذمیان را به اختصار شرح داده است.^{۵۹} وی در قضاوت‌های خود، شرط انصاف را رعایت کرده و ارزشیابی مغرضانه‌ای در شرح چگونگی رفتار مسلمانان با ذمیان ندارد. علت اهمیت این کتاب، دسترسی نویسنده به منابع مسیحی، چون *تاریخ شیخ صالح ارمنی*، *تاریخ سعید بن بطریق*، *سیر البطارکه اسکندریه*، *تاریخ تفوفانس* و ... است.

تاریخ الكنیه السریانیة الشرقیة من مجئ الاسلام حتی نهاية العصر العباسی، اثر *أب‌البیر أبونا* است. این کتاب تاریخچه کلیسای نستوری را شرح می‌دهد و به حیات دینی مسیحیان و چگونگی انتخاب جاثلیق نستوری از آغاز اسلام تا پایان دوره عباسی اشاره دارد.^{۶۰} در تاریخ کنیه شرقی، روایت‌هایی در مورد سیره نظری و عملی خلفا در خصوص مسیحیان با تکیه بر منابع مسیحی، چون *المُجدل*، *سیرالآباء البطارکه اسکندریه*، *تاریخ کلده و آشور* و ... ثبت شده است.

ولهاوزن، مستشرق آلمانی، در *تاریخ دوله العربیه* با تکیه بر منابع مسیحی، چون *تاریخ تفوفانس*، روابط خلفای اموی را با مسیحیان شرح داده است.^{۶۱} به علت عدم دسترسی به *تاریخ تفوفانس*، به روایت‌هایی که *ولهاوزن* از این منبع مسیحی آورده، استناد می‌شود.

النصرانیة و آدابها بین عرب الجاهلیة، اثر *شیخولویس*، محقق مسیحی است. *شیخو رونند* مسیحیت در میان اعراب دوره جاهلیت را بررسی کرده است.^{۶۲} مهم‌ترین ویژگی کتاب *شیخو دسترسی* او به منابع مسیحی، چون *تاریخ سوزمان*، *تاریخ تفوفانس* و ... است. *شیخو* با دسترسی به منابع سریانی اطلاعات تازه‌ای از وضعیت دینی قبایل عرب مسیحی نواحی شام، چون غسانیان ارائه داده است. نگرش تعصب‌آمیز و مغرضانه *شیخو* به فرقه‌های یعقوبی و نستوری در کتاب وی آشکار است. انگیزه *شیخو* در نشان دادن انتشار گسترده مسیحیت در میان قبایل عرب از مهم‌ترین معایب کتاب او شمرده می‌شود، به گونه‌ای که گاهی او را بر آن می‌دارد تا با سند و دلایل ضعیف از انتشار گسترده مسیحیت در میان قبایل عرب سخن گفته و قبایل عرب را مسیحی به شمار آورد.

نولدکه در کتاب *تاریخ ایرانیان و اعراب در زمان ساسانیان* گزارش‌های طبری را پایه و اساس کار خود قرار داده و بعد با دسترسی به منابع عربی و سریانی به نقد روایات طبری می‌پردازد. او در شرح چگونگی گسترش مسیحیت در یمن و ماجرای اصحاب اخدود^{۶۳} به علت دسترسی به منابع سریانی، چون *شهادت‌نامه حارث*، اطلاعات تازه‌ای ارائه می‌دهد.

نتیجه‌گیری

تاریخ‌های عمومی مهم‌ترین تکیه‌گاه محققان در بررسی حوادث تاریخی است، گرچه درخصوص موضوع مسیحیان ذمی، مطالب قابل توجهی ندارند، زیرا برخی مانند طبری و ابن‌اثیر طبق سبک تاریخ‌نگاری سنتی، بیشتر به شرح حوادث سیاسی پرداخته و به حیات اجتماعی توجهی نداشته‌اند. با این حال، اشاره طبری به عهدنامه‌های منعقدشده با مسیحیان مناطق مفتوحه و اشاره ابن‌اثیر در *الکامل* به محدودیت سیاسی ذمیان در دستیابی به امور اداری در زمان عمر بن عبدالعزیز کمک قابل توجهی به تبیین حیات دینی - سیاسی مسیحیان ذمی در دوره خلفای نخستین و اموی کرده است. علاوه بر تاریخ‌های عمومی، تاریخ‌های محلی که در حیطه جغرافیایی مصر و شام نوشته شده، در بررسی مناسبات مسیحیان ذمی با مسلمانان اهمیت ویژه‌ای دارد. اشاره کندی و ابن‌تغری بردی در تاریخ محلی‌شان به محدودیت مسیحیان ذمی در دستیابی به امور اداری در زمان عمر بن عبدالعزیز و گزارش ابن‌عزیم و ابن‌شداد به نفوذ مسیحیان و مناسبات دوستانه آنها با خلفای اموی - به غیر از عمر بن عبدالعزیز - در کتاب‌هایشان، از یک‌سو، بیانگر محدودیت اجتماعی مسیحیان در زمان عمر بن عبدالعزیز و از سوی دیگر، بیانگر میزان اقبال مسیحیان ذمی در دستیابی به امور اداری مسلمانان در دوره اموی است. در بین مورخان تاریخ‌های محلی مصر و شام آثار ابن‌عساکر و مقریزی نیز بسیار با ارزش است. بایستی توجه داشت که مورخان مسلمان شامی و مصری که در خلال جنگ‌های صلیبی یا بعد از جنگ در مورد مسیحیان ذمی و حقوق آنان در جامعه اسلامی مطلب نوشته‌اند، مطالب خود را با غرض‌ورزی و تعصب همراه کرده‌اند.

منابعی که در زمینه فتوحات و خراج نوشته شده است اهمیت نیز بسزایی در بررسی وضعیت مسیحیان ذمی در قلمرو اسلامی دارد، زیرا شرح محتوای عهدنامه‌های منعقدشده بین مسلمانان و مسیحیان مناطق مفتوحه می‌تواند بیانگر شرایط اجتماعی - دینی مسیحیان در قلمرو اسلامی باشد. ازدی مورخ شامی در کتاب *فتوح الشام* برخلاف *واقعی* به شرح عهدنامه‌های منعقدشده با مسیحیان و روند اخذ جزیه از ذمیان و چگونگی نفوذ مسیحیان بر نهاد دیوان‌سالاری دوره اموی اشاره دارد.

به نظر می‌رسد مورخان مسلمانی که به عهدنامه منسوب به عمر بن خطاب استناد کرده، محدودیت اجتماعی - دینی سختی برای مسیحیان شام قائل شده‌اند، حال آنکه روایت‌های آنان در مورد حیات دینی - اجتماعی مسیحیان در زمان عمر بن خطاب با اتکا به این عهدنامه و به سبب مغایر بودن محتوای آن با سایر عهدنامه‌های مناطق مفتوحه و عدم ذکر آن در منابع متقدم فتوح، چندان اعتباری ندارد.

کتاب‌های خراج در کنار کتاب‌های فتوح به سبب مطرح شدن بحث فقهی جزیه، میزان جزیه، سیره نظری و عملی خلفای نخستین و اموی در چگونگی اخذ جزیه و سرانجام شرح احکام مربوط به زمین، جایگاه مهمی در خصوص موضوع این پژوهش دارند.

ابویوسف اولین کسی است که در کتاب *الخراج* بحث فقهی جزیه و محدودیت‌های اجتماعی مربوط به زمین را مطرح می‌کند. بعد از ابویوسف محدودیت اجتماعی مربوط به زمین در سایر منابع فقهی و کتاب‌های خراج، مثل *الاموال ابو عبیده* تکرار شده است. به نظر می‌رسد ابویوسف در زمان هارون، خلیفه عباسی، در صدد برآمد تا با مدون کردن احکام مربوط به زمین و اعمال محدودیت اجتماعی برای آنان و منسوب کردن ریشه این محدودیت اجتماعی به عمر بن خطاب، قدرت و نفوذ مسیحیان را در دستگاه دیوان‌سالاری اسلامی کاهش دهد.

منابع فقهی، چون *الموطأ* و *الام* به علت مطرح کردن مباحث مربوط به زمین و جزیه، برای تبیین حیات دینی - اجتماعی زمین مفید می‌باشد. مالک بن انس که مقدم بر شافعی است، در کتاب *الموطأ* نگرش خشونت‌آمیزی به زمین نداشته و محدودیت اجتماعی برای آنان در نظر نگرفته است. گزارش او در خصوص روند اخذ جزیه در زمان پیامبر ﷺ و خلفای نخستین، به شناخت حیات اقتصادی زمین و سیره نظری و عملی پیامبر اکرم ﷺ و خلفای نخستین در خصوص زمین کمک قابل توجهی می‌کند. جالب است که شافعی در کتاب *الام* نگرش متعصبانه‌ای به زمین داشته و محدودیت‌های اجتماعی شدیدی برای زمین قائل است. اشاره او به بحث جزیه در زمان پیامبر ﷺ و خلفای نخستین و اخراج اهل کتاب از جزیره العرب در زمان عمر از مباحث بحث‌برانگیز درباره حیات اقتصادی - اجتماعی مسیحیان ذمی است.

منابع ادبی و اجتماعی نیز به سبب تنوع مطالب مندرج در آن، به اوضاع اجتماعی - دینی مسیحیان در دوره خلفای نخستین و دوره اموی اشاره‌هایی دارد. منابعی، چون *الاغانی*، *عیون الاخبار* و *شرح نهج البلاغه* به علت اشاره به نفوذ نصارا و مجوس بر دستگاه‌های اداری مسلمانان، آزادی دینی مسیحیان در زمان خلفای نخستین و امویان، اهمیت فراوانی برای بررسی حیات دینی - اجتماعی مسیحیان دارد. همچنین در بررسی حیات دینی - اقتصادی مسیحیان در زمان پیامبر ﷺ نباید از دو کتاب مهم *سیره ابن هشام* و *مغازی و اقدی غافل* شد، زیرا اشاره این دو کتاب به عهدنامه منعقدشده پیامبر با مسیحیان ایله و نجران، سیره نظری و عملی پیامبر ﷺ را در چگونگی برخورد با مسیحیان ذمی آشکار می‌کند. منابع رجالی و طبقات نیز به علت توجه به اخبار فرهنگی - اقتصادی، اهمیت بسزایی در بررسی مناسبات مسلمانان با مسیحیان ذمی دارد. اشاره *ابن سعد* به عهدنامه منعقدشده پیامبر با مسیحیان و گرایش تعدادی از قبایل نصرانی به اسلام در کتاب *طبقات* و نیز اشاره *بلاذری* به تسلط مسیحیان بر عراق در زمان امارت *خالد بن عبدالله قسری*، حاکم اموی در کتاب *انساب الاشراف*، شواهدی هستند که اهمیت منابع رجالی را در بررسی حیات اجتماعی - دینی مسیحیان ذمی آشکار می‌سازد. آخرین دسته از منابعی که در این پژوهش نباید آن را نادیده گرفت، منابع جغرافیایی است. جغرافیایانویسان با شرح اوضاع اقتصادی - اجتماعی و دینی مناطق مختلف کمک قابل توجهی به شناخت حیات اقتصادی - اجتماعی دوره‌های تاریخی می‌نمایند. مقدسی هنگام بحث درباره مسیحیان ذمی شام به تقسیم‌بندی مشاغل زمین پرداخته و جایگاه اجتماعی مسیحیان را بین مسلمانان مشخص می‌کند.

مسئله تعامل مسلمانان با اهل ذمه و به طور کلی اخبار اهل ذمه در قلمرو اسلامی از موضوعاتی است که مستشرقان به آن توجه کرده و آنان به جز *شیخولویس*، کم و بیش سعی نموده با بی‌طرفی به بررسی و تحلیل اخبار اهل ذمه در قلمرو اسلامی بپردازند.

پی‌نوشت‌ها

۱. ذمه در لغت به معنای عهد و پیمان است (ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۲، ص ۲۲۲-۲۲۱).
۲. اختلاف و مناقشات کلامی رایج میان متکلمان مسیحی منجر به پیدایش انشعابات مختلفی در دین مسیح شد. فرقه نستوری و یعقوبی دو انشعاب مهمی بود که به دنبال مباحثات کلامی در دین مسیحیت ایجاد شد (برای شرح این موارد ر.ک: بررسی حیات سیاسی، اجتماعی و دینی مسیحیان ذمی در عصر خلفای نخستین و امام علیؑ، تاریخ در آینه پژوهش، ش ۲۸، ص ۱۶۳).
۳. محمدبن جریر طبری، تاریخ‌الرسول والملوک، ج ۱، ص ۶۰۳.
۴. محمدبن جریر طبری، همان، ج ۳، ص ۶۰۹.
۵. ابوالحسن علی بن حسین مسعودی، مروج الذهب ومعادن الجواهر، ج ۳، ص ۴۱-۴۰.
۶. ابوالحسن علی بن حسین مسعودی، التنبيه والاشراف، ص ۲۴۸.
۷. حمزه اصفهانی، سنی الملوک الارض والانبیاء، ص ۱۱۲.
۸. ابوعلی ابن مسکویه رازی، تجارب الامم و تعاقب الهمم، ج ۲، ص ۲۷.
۹. همان، ص ۶۴.
۱۰. عزالدین ابوالحسن بن علی ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۴، ص ۱۶۵.
۱۱. ابولید محمد ازرقی، اخبار مکه، ج ۱.
۱۲. همان، ص ۱۳۵-۱۳۳.
۱۳. محمدبن عمر یوسف کندی، کتاب الولاه و کتاب القضاء، ص ۶۸.
۱۴. علی بن حسن ابن عساکر، تهذیب تاریخ دمشق الکبیر، ج ۱، ص ۱۵۱-۱۵۰، ۱۷۹ و ۱۸۱.
۱۵. عمر بن احمد ابن عدیم، زیادة الحلب من تاریخ الحلب، ج ۱، ص ۴۲.
۱۶. ابوعبدالله عزیزالدین ابن شداد، اطلاق الخطیره فی ذکر امراء الشام و الجزیره، ص ۲۸۲:۵۵، ۲۷۹.
۱۷. عمادالدین اسماعیل ابوالفداء، المختصر فی اخبار البشیر معروف به تاریخ ابوالفداء، ج ۱، ص ۷۶.
۱۸. تقی‌الدین محمدبن علی مقریزی، المواظظ والاعتبار بذكر الخطط والآثار، ج ۴، ص ۳۹۵-۳۹۴.
۱۹. جمال‌الدین ابن‌المحاسن یوسف تغری بردی، النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و القاهرة، ج ۱، ص ۲۶۵.
۲۰. ابوعبدالله محمدبن عبدوس جهشیاری، الوزراء و الکتاب، ص ۵۹.
۲۱. محمدبن یحیی صولی، ادب‌الکتاب، ص ۲۱۵.
۲۲. ابوبکر طرطوشی، سراج الملوک، ص ۲۳۰-۲۲۹.
۲۳. ابن‌اخوه (محمد احمد القرشی) معالم القریه فی احکام الحسبه (آیین شهرداری)، ص ۳۶.
۲۴. ابی‌العباس احمدبن علی قلقشنندی، صبح‌الاعشی فی صناعه الانشاء، ج ۱، ص ۱۳۰:۴۴۴.
۲۵. همان، ص ۴۰.
۲۶. عبدالرحمن بن خلدون، مقدمه ابن خلدون، ج ۱، ص ۴۶۷-۴۶۶.
۲۷. ابوالفرج اصفهانی، الاغانی، ج ۱۲، ص ۱۵۱.
۲۸. ابی‌شهی، شهاب‌الدین محمد، المُسْتَطْرَفُ من کل فن‌المستظرف، ج ۱، ص ۱۳۵.
۲۹. ابن‌قتیبه دینوری، ابومحمد عبدالله بن مسلم، عیون‌الانخبار، ج ۱، ص ۱۰۳-۱۰۲.
۳۰. ابن‌قتیبه دینوری، ابومحمد عبدالله بن مسلم، المعارف، ص ۳۵۵-۳۵۴.
۳۱. میرد (ابن عباس محمدبن یزید)، الکامل فی اللغه و الادب، ج ۲، ص ۳۹۰-۳۸۹.
۳۲. عبدالحمیدبن هبه‌الله بن ابی‌الحدید، شرح نهج‌البلاغه، ج ۵، ص ۲۱۸.

۳۳. همان، ج ۳، ص ۲۰۴.
۳۴. محمدبن احمد مقدسی، احسن التقاسیم فی المعرفة الاقالیم، ص ۱۵۷.
۳۵. یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۲، ص ۶۰۰.
۳۶. ابن فضل الله العمری، مسالک الأبصار فی ممالک الامصار، ج ۱، ص ۱۸۰ و ص ۳۳۱-۳۵۸.
۳۷. همان، ص ۳۴۹-۳۵۵.
۳۸. محمدبن سعد، طبقات الکبری، ج ۱، ص ۳۱۸.
۳۹. احمدبن علی بلاذری، انساب الاشراف، ج ۹، ص ۶۴-۶۰.
۴۰. قاضی صاعد اندلسی، طبقات الامم، ص ۴۸.
۴۱. موفق الدین ابی العباس ابن ابی اصیبعه، عیون الانباء فی طبقات الاطباء، ص ۱۷۲-۱۷۱ و ۱۷۵.
۴۲. ابی الفرج عبدالرحمن بن علی ابن جوزی، مناقب عمر بن خطاب، ص ۱۴۱.
۴۳. احمد بن محمدبن خلکان، وفيات الاعیان أنباء أبناء الزمان، ج ۲، ص ۲۲۹-۲۲۶.
۴۴. محمدبن عمر واقدی، فتوح الشام، ص ۲.
۴۵. ابواسماعیل ازدی، فتوح الشام، ص ۹۱، ۱۲۸.
۴۶. ابی القاسم عبدالرحمن بن عبدالحکم، فتوح مصر و اخبارها، ص ۵۷-۵۶.
۴۷. همان، ص ۱۵۱.
۴۸. احمدبن یحیی بلاذری، فتوح البلدان، ص ۹۶.
۴۹. ابویوسف، کتاب الخراج، ص ۱۲۳-۱۲۲.
۵۰. ابویوسف، کتاب الخراج، ص ۱۲۷.
۵۱. ابو عبیده، قاسم بن سلام، الاموال، ص ۵۵.
۵۲. مالک بن انس، المؤطأ، ج ۲، ص ۲۸۰.
۵۳. محمدبن ادريس شافعی، آلم، ج ۴، ص ۱۷۵، ۱۸۱-۱۸۰، ۱۷۸.
۵۴. ابی الحسن علی بن محمد ماوردی، احکام السلطانیة فی الولايات الدینیة، ۲۵۹-۲۶۰.
۵۵. شیخ شمس الدین ابی عبدالله محمدبن ابی بکر بن قییم جوزیه، احکام اهل الذمه، ج ۱، ص ۲۱۱.
۵۶. ابن هشام، ابو محمد عبدالملک، سیره النبویه، ج ۱، ص ۳۵-۳۲.
۵۷. ابن هشام، ابو محمد عبدالملک، سیره النبویه، ج ۱، ص ۲۳۱-۲۲۱.
۵۸. محمدبن عمر واقدی، المغازی، ج ۱، ۲، ۳، ۴، ص ۷۸۴-۷۸۱ و ۷۸۶-۷۸۵.
۵۹. آرثر ستانلی تریتون، اهل الذمه، ص ۲۱ و ۴۵.
۶۰. الالبیر ابونا، تاریخ الكنيسة السریانیة الشرقیة من مجئ الاسلام حتی نهایه العصر العباسی، ج ۲، ص ۵۳ به نقل از یوحنا ی برنکابی.
۶۱. یولیوس ولهاوزن، تاریخ الدوله العربیه، ص ۲۸ به نقل از تاریخ توفانس.
۶۲. اب لوئیس شیخوالیسوعی، النصرانیة و آدابها بین عرب الجاهلیة، ص ۳۸.
۶۳. تتودور نولدکه، تاریخ ایرانیان و اعراب در زمان ساسانیان، ص ۳۳۰-۳۲۸ به نقل از شهادت نامه حارث، ص ۴-۵.

منابع

- ابشهی، شهاب‌الدین محمد، *المُسْتَظَرُّ* من كل فن المستظرف، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
ابن ابی‌اصیبیه، موفق‌الدین ابی‌العباس، *عیون الانباء فی طبقات الاطباء*، شرحه نزار رضا، بیروت، دارالمکتب‌الحیاه، ۱۹۶۵.
- ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبه الله، *شرح نهج البلاغه*، ترجمه مهدوی دامغانی، تهران، نی، ۱۳۶۸.
ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن بن علی، *الکامل فی التاریخ*، بیروت، دارالفکر، ۱۹۸۷.
ابن جوزی، ابی‌الفرج عبدالرحمن بن علی، *مناقب عمر بن خطاب*، بیروت، دارالمکتب‌الهیال، ۱۹۸۹.
ابن‌خلدون، عبدالرحمن، *مقدمه ابن‌خلدون*، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران، بنگاه نشر و ترجمه کتاب، ۱۳۵۲.
- ابن شداد، ابو عبدالله عزیزالدین، *اعلاق الخطیره فی ذکر امراء الشام و الجزیره*، عنی بنشره سامی الدهان، دمشق، المطبعه کاتولیکیه، ۱۹۵۶.
ابن عساکر، علی بن حسن، *تهذیب تاریخ دمشق‌الکبیر*، هذبه عبدالقادر بدران، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۹۸۷.
- ابن فضل‌الله‌العُمَری، مسالک‌الأبصار فی ممالک‌الامصار، تحقیق احمد زکی پاشا، قاهره، دارالکتب‌المصریه، ۱۹۲۴.
ابن قیم جوزیه، شیخ شمس‌الدین ابی‌عبدالله محمد بن ابی‌بکر، *احکام اهل‌الذمه*، حقه صبحی صالح، دمشق، مطبعه جامعه، ۱۳۸۱.
- ابن منظور، ابی‌الفضل جمال‌الدین محمد بن مکرم، *لسان‌العرب*، قم، ادب‌الحوزه، ۱۳۶۳.
—، ابی‌الفضل جمال‌الدین محمد بن مکرم، *لسان‌العرب*، قم، نشر ادب‌الحوزه، ۱۳۶۳.
ابن‌اخوّه، محمد احمد القرشی، *معالم‌القریه فی احکام‌الحسیه (آیین‌شهرداری)*، ترجمه جعفر شعار، تهران، ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰.
- ابن‌خلکان، احمد بن محمد، *وفیات‌الاعیان اُنْباءُ اَبناءِ الزَّمان*، حقه احسان عباس، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۹۶۸.
- ابن‌سعد، محمد، *طبقات‌الکبری*، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، نو، ۱۳۶۵.
ابن‌عدیم، عمر بن احمد، *زبد‌الهلل من تاریخ‌الهلل*، عنی بنشره سامی الدهان، دمشق، مطبعه کاتولیکیه، ۱۹۵۱.
ابن‌قتیبّه دینوری، ابو محمد عبدالله بن مسلم، *عیون‌الاخبار*، شرحه یوسف علی‌الطویل، بیروت، دارالفکر، ۱۹۹۵.
—، *المعارف*، بیروت، دارالکتب‌العلمیه، ۱۹۸۷.
- ابن‌مُسکویه رازی، ابوعلی، *تجارب‌الامم و تعاقب‌الهمم*، حقه و قدم له الدكتور ابوالقاسم امامی، تهران، دارالسروش، ۱۳۶۳.
- ابن‌هشام، ابو محمد عبدالملک، *سیره‌النویه*، حقه مصطفی‌السفا و ابراهیم‌الایاری، بیروت، دارالقلم، بی‌تا.
ابوالفداء، عماد‌الدین اسماعیل، *المختصر فی اخبار‌البشر* معروف به تاریخ ابوالفداء، مصر، حسینیه مصر، بی‌تا.
ابوعبیده، قاسم بن سلام، *الاموال*، تحقیق محمد خلیل هراس، قاهره، ۱۹۸۱.
أبونا، الاب‌البیر، *تاریخ‌الکنیسه‌السریانیه‌الشرقیه من مجئ الاسلام حتی نهایه‌العصر‌العباسی*، بیروت، بیروت، دارالمشرق، ۱۹۹۳.
- ابویوسف، کتاب‌الخراج، بیروت، دارالمعرفه، بی‌تا.
ابی‌القاسم عبدالرحمن بن عبدالحکم، *فتوح مصر و اخبارها*، لیدن، مطبعه بریل، ۱۹۲۰.

- ازدی، ابواسماعیل، فتوح الشام، تصحیح ناسویس ایرلاندی، کلکته، ۱۸۵۴.
- ازرقی، ابولید محمد، اخبار مکه، ترجمه مهدوی دامغانی، تهران، بنیاد، ۱۳۶۸.
- اصفهان، ابوالفرج، الاغانی، کتب الحواشیه عبد علی مهنا و سمیر جابر، دارالکتب العلمیه، ۱۹۹۲.
- اصفهان، حمزه، سینی الملوک الارض و الانبیاء، ترجمه جعفر شعار، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۶.
- اندلسی، قاضی صاعد، طبقات الامم، نشره اب لوئیس شیخوالیسوعی، بیروت، مطبعه کاتولیکیه، ۱۹۱۲.
- بلاذری، احمد بن یحیی، فتوح البلدان، ترجمه محمد توکل، تهران، نقره، ۱۳۶۷.
- بلاذری، احمد بن علی، انساب الاشراف، حقیقه و قدم له استادالدکتور سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت، دارالفکر، ۱۹۹۶.
- تروتون، آرثر ستانلی، اهل الذمه، ترجمه حسن حبشی، مصر، دارالفکر.
- تغری بردی، جمال الدین ابن المحاسن یوسف، النجوم الزاهره فی ملوک مصر و القاهره، قاهره، وزاره الثقافه و الارشاد القومی، ۱۹۶۳.
- جهشیاری، ابوعبدالله محمد بن عبدوس، الوزراء و الکتاب، ترجمه ابوالفضل طباطبایی، تهران، تابان، ۱۳۴۸.
- حموی، یاقوت، معجم البلدان، تحقیق فرید عبدالعزیز الجندی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۹۹۰.
- شافعی، محمد بن ادریس، آلام، بیروت، دارالمعرفه، بی تا.
- شیخوالیسوعی، اب لوئیس، النصرانیه و آدابها بین عرب الجاهلیه، بیروت، دارالمشرق، ۱۹۸۹.
- صولی، محمد بن یحیی، ادب الکتاب، نسخه و عنی بتحقیقه بهجه الاثری، بغداد، مکتب العربیه، ۱۳۴۱.
- طبری، محمد بن جریر، تاریخ الرسل و الملوک، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دارالتراث، ۱۹۶۷.
- طروطوشی، ابوبکر محمد، سراج الملوک، بی جا، بی تا، ۱۲۸۹.
- قلقشندی، ابی العباس احمد بن علی، صبح الاعشی فی صناعه الانشاء، قاهره، وزاره الثقافه و الارشاد القومی، مؤسسه المصریه العامه، ۱۹۶۳.
- کندی، محمد بن عمر یوسف، کتاب الولاه و کتاب القضاء، مهدباً فن کست، دارالکتب الاسلامی، بی تا.
- مالک بن انس، المؤطأ، صححه محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، بی تا.
- ماوردی، ابی الحسن علی بن محمد، احکام السلطانیه فی الولايات الدینیّه، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۹۹۴.
- میرد (ابن عباس محمد بن یزید)، الکامل فی اللغه و الادب، بیروت، مؤسسه المعارف، بی تا.
- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، وضعه فهارسها یوسف اسعد داغر، قم، مؤسسه دارالهجره، ۱۴۰۹.
- ، التنبيه و الاشراف، عنی بتصحیحه عبدالله اسماعیل الصاوی، قاهره، بی تا، بی تا.
- مقدسی، محمد بن احمد، احسن التقاسیم فی المعرفه الاقالیم، وضع مقدمته محمد مخزوم، بیروت، دارالحیاء التراث العربی، ۱۹۸۷.
- مقریزی، تقی الدین محمد بن علی، المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط و الآثار، مصر، مطبعه النیل، ۱۳۲۶.
- نولدکه، تئودور، تاریخ ایرانیان و اعراب در زمان ساسانیان، ترجمه عباس زریاب خویی، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۸.
- واقدی، محمد بن عمر، المغازی، ترجمه مهدوی دامغانی، تهران، دانشگاهی، ۱۳۶۶.
- ، فتوح الشام، قاهره، بی تا، ۱۳۱۵.
- ولهاوزن، یولیوس، تاریخ الدوله العربیه، ترجمه محمد عبدالهادی ابوریده و حسن یونس، قاهره، التألیف و الترجمه و النشر قاهره، ۱۹۵۸.
- یعقوبی، احمد بن اسحاق، تاریخ یعقوبی، بیروت، دارالصادر، بی تا.